

بسم الله الرحمن الرحيم

معیارهای خانواده مطلوب و متعادل بر اساس آراء و اندیشه حضرت آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته)

معصومه عیسوند محمودی، حوزه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) دزفول

چکیده:

قرآن کریم به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی ترین راهنمای بشر برای دست یابی به حیات طیبه بخش عظیمی از آیات را به تنظیم روابط اعضای خانواده حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. رجوع به آیات الهی میتواند انسان را جهت دستیابی به عالیتین راهکارها در تحکیم خانواده و داشتن یک خانواده مطلوب و متعادل هدایت کند. و البته استحکام نهاد خانواده یکی از اصلی ترین راههای دوام ارزشهای اخلاقی و دینی در جامعه اسلامی است و شناخت معیارهای قرآنی برای داشتن یک خانواده مطلوب و متعادل و افزایش سطح آگاهی زوجین نیازمند تحقیق و بررسی فراوان است. این نوشتار سعی کرده تا با روش کتابخانه ای و جمع آوری برخی از آیات موجود پیرامون مسائل مربوط به خانواده متعادل و مطلوب (البته از ورود به مباحث فقهی، حقوقی خوداری کرده است) به تعریف خانواده، ضرورت تشکیل خانواده و به معیارهای خانواده مطلوب و متعادل از جمله؛ آرامش، گذشت، غیرت، نیکی به خانواده، صیانت از حریم خانواده، غیرت، ساده زیستی، تربیت، عفاف و حجاب، راز داری و... با استفاده آراء تفسیری و آثار حضرت آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته) را پرداخته است. و کلید واژه های آن شامل: خانواده، معیار، متعادل، مطلوب میباشد.

مقدمه:

تعریف خانواده: (اسم مرکب از "خان" به معنای خانه و "واده" اصل، بنا و ماده هر چیزی و به عبارتی اهل خانه میباشد. و در اصطلاح کوچکترین گروه اجتماعی در جامعه و هسته مرکزی آن شامل پدر و مادر و فرزند است، و به عبارتی دیگر خانواده ب گروهی خاص از خویشاوندان اطلاق میشود که در برآوردن نیازهای اساسی اعضا، مسئولیت اصلی را عهده دار است این گروه ترکیبی از افراد هستند که از طریق خون و ازدواج به هم مربوط میشوند) (۱). (پس از پیوند زناشویی اجتماع کوچکی تحت عنوان خانواده شکل می گیرد که دستکم مرکب از زن، شوهر و فرزند است. اهمیت شناخت و آگاهی هریک از اعضای آن نسبت به وظیفه و نقشی که در شاکله و شالوده زندگی مشترک دارند از عوامل مهم پایداری خانواده و داشتن یک خانواده مطلوب و متعادل است. در

نظام خانواده اسلامی نقش ویژه زن برانجام رسالت مادری و نقش ویژه مرد برمدیریت خانواده، صیانت از آن و تامین هزینه های زندگی متمرکز است؛ فرزند آوری، تعلیم و تربیت فرزندان، مهر ورزی با آنها مهم ترین وظیفه مشترک زن و شوهر به شمار میرود. احسان به والدین، اطاعت از آنها و یاری پدر و مادر در تامین نیازهای زندگی از وظایف فرزندان یاد شده است (۲). (نهاد خانواده اصلی ترین رکن جامعه و بستر فرهنگ های گوناگون و زمینه ساز خوشبختی و بد بختی انسانهاست و از این رو اسلام که برنامه سعادت و تکامل بشر است عنایت ویژه و به سلامت رشد و پویایی این نهاد سرنوشت ساز دارد. ضرورت پرداختن به مقوله ی تحکیم اساس خانواده ریشه در اهمیت و ارزش نهاد خانواده دارد. اگر به دنبال ایجاد یک جامعه سالم و پایدار هستیم باید به خانواده و عوامل تحکیم آن اهمیت و بها دهیم. در واقع خانواده ی پویا و سالم اولین شرط جامعه ی سالم است) (۳) (نگرش اسلام به خانواده بر عکس سایر مکاتب غیر اسلامی بسیار عمیق و همه جانبه است و تمام ابعاد آن از آغاز تا انتها در همه مراحل مورد توجه بوده و در همه موارد دستورات لازم ارایه گردیده. با توجه به این که خانواده یکی از بنیادی ترین نهادهای اجتماعی است. (۴) در این نوشتار معیارهای خانواده متعادل و مطلوب برطبق آراء و نظرات تفسیری آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته) را مورد بررسی قرار داده است.

معیارهای خانواده متعادل و مطلوب:

اما معیارهای خانواده متعادل و مطلوب که با انجام هر چه بهتر مسئولیت افراد خانواده حاصل میشود را میتوان در یک دسته بندی که برخی از آنها نیز از آیات قرآن به دست می آید، به این شرح است:

۱- آرامش در خانواده :

(بر پایه نظام اجتماعی اسلام، مبنای جامعه، خانواده و محور خانواده زن است. خانواده مرهون تجلی روح مادر است، چون اساس خانواده بر پیوند و مودت است و این وظیفه به زن سپرده شده است. با اینکه مرد وظیفه دار امور اجرایی و اداری خانواده است و خانواده نیز به دلیل زندگی مادی ناگزیر از امور مالی و اداری است، اما این نهاد کوچک بی مودت و محبت، حتی در بهترین وضعیت اجرایی، سامان نمیابد، چرا که فاقد محور اصلی و هسته مرکزی است). (البته این را نیز باید گفت که) ایفای نقش زن به تنهایی نمیتواند سعادت خانواده را به همراه داشته باشد، چرا که بخشی از بستر سازی جهت ایجاد خانواده اسلامی منوط به انجام وظایفی از طرف مرد است (۵). از وظایف زن در خانواده مسئولیت حفظ آرامش و آسایش در درون منزل برای خود و خانواده است تا بتوانند یک خانواده متعادل و مطلوب و البته موفق داشته باشند. (دو اصل است که خانواده را تامین می کند یکی

مودت و دوستی عاقلانه و یکی رحم و عاطفه و مهربانی و از لغزش دیگران گذشتن، اگر این مودت و دوستی بر اساس غریزه باشد وقتی جوانی فروکش کرده، انسان میانسال شده غریزه کم شده مودت کم می شود، خانواده متلاشی می شود. و اگر رحمت و عاطفه و مهربانی و گذشت نباشد خود خواهی طرفین باشد باعث افزایش طلاق می شود (و جعل بینکم موده و رحمه) (۶) این مودتتان عاقلانه باشد، این علاقه عاقلانه، پدر خوب درست می کند، مادر خوب درست می کند، و زندگی را نگه میدارد. این رحمت، این عاطفه، این گذشت زندگی خانواده را تشکیل میدهد. (۷) (البته زن و مرد باید از روی اختیار وبا توجه به علایق و رغبت های خویش دست به انتخاب همسر زده باشند و از پذیرش همسری تحمیلی پرهیز کنند، چراکه ازدواج های تحمیلی یا شبه تحمیلی هم برای خود زوجین مشکل آفرین است و هم آرامش خانوادهای آنها را بر هم خواهد زد) (۸)

۲- حفظ عفت:

از دیگر معیارهایی که باعث میشود خانواده یک خانواده مطلوب و متعادل باشد حفظ عفت است. خداوند متعال میفرماید (والذین هم لفروجهم حافظون. الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم ...) (۹) (یعنی خودش را حفظ میکند، نه مال همسرش را، فروج خودش را حفظ میکنند همانظوری که چشم خودشان را حفظ میکنند هر جایرا نمی بینند گوششان را حفظ میکنند هر چیزی را نمی شنوند دستشان را حفظ میکنند به هر چیزی دراز نمی کنند، این عضو تناسلی را هم حفظ میکنند به هر جایی هم نمیبرند، حافظ خودشان اند. مومنان کسانی اند که حافظ این اندام تناسلی اند و و این اندام تناسلی را هیچ جا به کار نمیبرند مگر در دو مورد همسرانشان یکی ملک یمین) (۱۰). البته (تامین مشروع نیازهای جنسی و کسی که در محیط خانه و از طریق مشروع به خواسته های جنسی خود پاسخ گوید، زمینه بی عفتی را کاهش داده و کمتر در لغزشگاه های جنسی می لغزد). (۱۱)

۳- حفظ حجاب: از معیارهای بسیار مهم برای داشتن خانواده مطلوب و متعادل مسئله حجاب و عدم تبرج در برابر نامحرم است.

الف) پوشش ظاهری: که خداوند در آیه ۳۱ سوره نور میفرماید: (و قل للمومنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها. ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن ولا یبدین زینتهن الا لبعولتهن) (الی آخره). (در باره زنها که اینها نگاه نکنند، اینها تعدی نکنند بعد هم فرمود خودشان را حفظ بکنند تا مورد تعدی و نگاه قرار نگیرند بعد فرمود) (ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن) (این خما را این مقنعه را این روسری

را بلند تر بگیرد جا دار تر بگیرد، (قل لزواجك وبناتك ونساءالمومنین یدنین علیهن من جلابیهن) (۱۲)

جلباب حالا یا چادر است یا پوشش که سر را بپوشاند، جید یعنی گردن را جلو و دنبال بپوشاند، جیب یعنی سینه و گریبان را بپوشاند، خوب این دیگر شناخته نمیشود که این زن کیست و شناخته میشود که طبعی باطنی آزار و اذیت آنها بشوند برای اینکه زنهای عفیف مورد اذیت و آزار اینها قرار نگیرند به اصطلاح مصونیت پیدا کنند اینها حجابشان را حفظ کنند. در جای دیگر میفرماید بزرگ که فرمود اینها قدری بیشتر و بزرگ تر این جلباب را بگیرند سر را بپوشاند، جید گردن را بپوشاند، جیب گریبان را بپوشاند تا شناخته نشود یعنی کسی نتواند اینها را ببیند همین علامت عفت اینهاست همین علامت حجاب اینهاست، همین باعث میشود که اوباش به دنبال اینها را نیفتند.

ب) عدم تبرج: و توصیه میکند که اگر مسلمانید هم اسلامی حرف بزنید هم اسلامی فکر بکنید اگر اسلامی حرف زدید و جاهلی عمل کردید میشود تبرج جاهلیت یعنی به نحو جاهلیت ظاهر بشوید کسی که حجاب را رعایت نمی کند بد حجاب یا بی حجاب است این اسلامی حرف زد ولی تبرج جاهلی کرد فرمود: (ولا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولى). (۱۳)

ج: قول معروف: (مستحضرید که صدای زن مثل مو و بدن او نیست که عورت باشد نگاه به بدن و موی زن جایز نیست «ولو لا ربه» اما صدای زن عورت نیست مثل موی زن نیست مثل بدن زن نیست، که شنیدنش مشکل داشته باشد لذا فرمود (قلن قولاً معروفاً) (۱۴) از این رو هم گفتن جایز است هم شنیدن لکن تبرج جاهلی ممنوع است. اینها که راه میروند همان طوری که مردانه باید حرف بزنند مردانه باید راه بروند، فرمود زنانه حرف نزنند، فلا تخضن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً (۱۵) یعنی حرف بزنند، خوب حرف بزنند، مردانه حرف بزنند نه زنانه بارقت و نازک گفتاری و نازک رفتاری این طوری حرف نزنند ولو من وراء حجاب باشد، خدای سبحان آن جاذبه ای که ایجاد کرده این ممکن است که در معرض فساد قرار بگیرد (۱۶). و این گونه سخن گفتن میتواند اساس خانواده را تهدید کند.

د) آشکار نکردن زینت: (حالا که میخواهد در جامعه را برونند) (ولا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن) (۱۷) (در فضای جاهلی زینتها گاهی به دست گاهی به پا گاهی به گوش و گاهی به چهره و اینها نصب میکردند فرمود این خلخال که در پا برای زینت گذاشتند طرزی راه نروند که این خلخالها حرکت کند صدا کند و بیگانه را تحریک کند. (ولا یضربن بارجلهن) پاها را محکم به زمین نزنند این زنها موقع راه رفتن آرام راه بروند

، همان طوری که حرفهای اینها نباید در رفتن محرک باشد. تا معلوم بشود که اینها دارای چنین زینتی اند و تحریک بشود. پس معلوم میشود که معیار زینت است راه رفتن که ممنوع نیست، محکم راه رفتن هم که ممنوع نیست دلیل منع از محکم راه رفتن این است که آن خلخال صدا میکند، نامحرم میشوند نه میببند پس معلوم می شود معیار زینت است (۱۸).

پس میتوان چنین گفت که: (بی حجابی منشاء طلاق و افسردگی و افسارگسیختگی مردان است، اگر ما از روز اول این عفاف را حفظ میکردیم، گرفتار این مصیبت بزرگ نمی شدیم، طلاق، بخش وسیعی مناشا همین است، این یکی دیگری را میببند و به او دل می دهد و از همسرش دل میکند این فاصله حاصل میشود اگر - خدای ناکرده- طلاق در جایی رخنه کرد ممکن است در بعضی از موارد بی آسیب باشد اما غالباً احدی السیئین در آن هست یا گرفتار افسردگی گوشه منزل میشود یا -خدای ناکرده- گرفتار افسار گسیختگی حاشیه خیابان، احدی السیئین هست انسان میشوند یک خانواده منحل شده است اما نمی داند انحلال خانواده یعنی چه، اگر در خانه بنشیند عمری افسرده است پرود حاشیه خیابان عمری افسار گسیخته است این دو خطر هست که منشا همه اینهایی حجابی است.) (۱۹)

۴- گذشت:

(عامل مهم دیگر پایداری و تامین سعادت خانواده، گذشت است. در صحنه زندگی مشترک کمتر کسی را میتوان یافت که از عیب پاک بودهو از لغزش مصون باشد به طور طبیعی نمی توان انتظار داشت همه رفتارهای یک فرد درست و پسندیده باشند. اگر قرار بود زن و شوهر از لغزشهای همدیگر تلافی جویانه انتقام بگیرند، صحنه زندگی را جهنم سوزانی از خشم، وکینه و نفرت فرا خواهد گرفت و اینجا جز رعایت مکارم اخلاقی و فضایل عالی انسانی همچون گذشت و تغافل چاره ساز نخواهد بود، خدای سبحان کسانی را که از لغزشهای دیگران میگذرد را ستوده و در وصف آنها میفرماید: (والكاظمين الغیظ والعافين عن الناس والله يحب المحسنين) (۲۰). (رسول خدا میفرماید: آیا بهترین اخلاق دنیا و آخرت را به شما خبر ندهم؟ گذشتن از کسی که به تو ستم کرده است). (۲۱) و از حضرت علی (علیه السلام) نقل است که فرمودند: (کمی عفو و گذشت از زشت ترین عیب ها و شتاب در انتقام از بزرگترین گناهان است. آن حضرت در سخنی دیگر میفرماید: بدترین مردم کسی است که از لغزش نمیگذرد و عیبها را نمی پوشاند). زندگی توام با اغماض و گذشت مایع آرامش و آسایش روحی زن و شوهر و اهل خانه، زدودن کینه ها و تیرگی ها، عزت و احترام و طول عمر خواهد بود). (۲۲)

استفاده شده روشن میشود که شوهر بودن به تنهایی دلیل کافی برای مدیریت خانواده نیست، بلکه شوهر باید مردانگی و توانایی دفاع از کیان خانواده و تکیه گاه مطمئن برای زن باشد تا مدیریت خانواده به دیت او داده شود. اگر مردی این صلابت و توانایی را نداشت یا ب وظیفه اش عمل نکرد او دیگر قیم بر خانواده نخواهد بود (۵۲) و طبیعتاً تا مرد به عنوان پدر و کسی که وظیفه مدیریت خانواده را بر عهده دارد وظیفه خود را به نحو احسن انجام ندهد نمی توان انتظار داشتن یک خانواده با شرایط مطلوب را داشت.

۱۵- حفظ حریم خصوصی:

هر فرد برای ادامه زندگی خود ناگزیر از ارتباط با افراد خانواده و جامعه است و برای اینکه بتوان در زندگی به آن شرایط مطلوب برسد و دارای یک زندگی متعادل باشد باید برای امنیت اجتماعی و حریم خصوصی خود و خانواده اش ارزش قائل باشد. و مواظب چشم و گوش و اعمال و رفتار خود باشد تا درگیر تهمتهای ناروا و کلام ناشایست از دیگران نشود. و به همین دلیل خداوند در قرآن (یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا وتسلموا علی اهلها ذلکم خیر لکم لعلکم تذكرون) (۵۳) غیر از خانه هایتان نروید چندین قسم ذکر کرده خانه خودتان هم میخواهید بروید باید که اطلاع بدهید برای اینکه ممکن است کسی در خانه بخواهد لباسش را عوض کند حالا غیر از زوجین اگر مادر بود خواهر بود دختر بود بالاخره نگاه به بعضی اعضا حرام است خب برای اینکه حادثه پیش نیاید آن شرم متقابل رخ ندهد فرمود شما بالاخره تنحنی، سرفه ای، ذکری یا الهی، استیذانی که او خودش را جمع کند، گرچه عین روایتی که زمخشری نقل کرده است برای اینکه انسان مبتلا نشود به تهمت و قدف فرمود جلوی چشمشان را بگیرید، جلوی گوششان را بگیرید، جلوی زبانتان را بگیرید حتی خانه خودتان هم میروید سرفه ای بکنید یا الهی بگویید که آنها خودشان را جمع کنند همه اعضای خانواده که زن و شوهر نیستند. "حتی تستانسوا" انس بگیرید یعنی استیذان کنید وقتی استیذان کردید اذن گرفتید، بدون سلام وارد نشوید ادب ورود را رعایت کنید. در مورد خانه غیر هم جامعه اگر بخواهد کسی را متهم نکند خانه کسی را نگاه نکند، بدون اجازه وارد نشود، سلام بکند، خب همین سلام ادب عمومی است جامعه با ادب زندگی میکند، با عاطفه زندگی میکند، فرمود شما شیعیان و پیروان ما زیارت یکدیگر بروید، ترک نکنید. اگر خانه مردم بخواهید بروید سه حال دارد، استیناس کنید، استیذان کنید، اگر اذن دادند وارد شوید باسلام، اگر مثلاً سه با استیذان کردید یا کمتر یا بیشتر و کسی جواب نداد، نروید اگر کسی را نیافتید نروید، و اگر کسی جوابتان را داد گفت ببخشید من الان فرصت ملاقات ندارم آنجا نایستید. خب این می شود ادب اجتماعی همان ملاتی است که سنگ را روی سنگ بند میکند، ملاحظه میکنید که این ادب چگونه میتواند جامعه را

متمدن کند. (۵۴) و این نکته را نیز باید ذکر کرد که جامعه متمدن از خانوادهایی تشکیل می شود که حفظ حریم شخصی و خصوصی خود و دیگران در آن اهمیت داشته باشد و در واقع خانوادهایی که داری روابط متعادل و مطلوب هستند هسته اولیه این جوامع را تشکیل میدهند.

۱۶-راز داری:

یکی از مسائل بسیار مهم و سرنوشت ساز در زندگی که برای حفظ تعادل خانواده نیز بر آن تاکید شده مسئله راز داری در بین خانواده است. در سوره تحریم آیه دوم مسئله افشای راز توسط همسر پیامبر را بیان میکند و میفرماید: (واذا اسر النبی الی بعض ازواجه حدیثا فلما نبات به و اظهره الله علیه عرف بعضه و اعرض عن بعض فلما نباها به قالت من انباک هذا قال نبانی العلیم الخبیر). و هنگامی که پیامبر رازی را به یکی از همسرانش گفت و او آن راز را فاش کرد و خدا پیامبر را از افشای آن آگاه کرد پیامبر بخشی از آن راز را به آن زن گوشزد کرد و از گفتن بخشی دیگر خوداری کرد. آن زن گفت چه کسی فاش کردن آن راز را به تو خبر داده است؟ پیامبر گفت؛ دانای آگاه، به من خبر داد. (رازی را وجود مبارک حضرت برای برخی از همسرانش ذکر کرده است. این سر بود و یک نوع راز بود و او نباید این راز را آشکار میکرد. پس رازی را حضرت برای بعضی از همسرانش گفت و این چون راز بود او موظف بود برای دیگران نگوید لکن او خلاف کرد. (۵۵)

فهرست منابع:

- ۱-تیکدري، مهدی، خانواده در قرآن با تاکید بر دیدگاه آقای جوادی آملی.
- ۲-آریایی، جعفر، پایداری خانواده بر پایه اندیشه آیت الله جوادی آملی، پژوهشگاه علوم و حیان اسراء
- ۳-- شاهنده، حبیب، گل پرست، قنبر، (۱۳۹۵)، تحکیم اساس خانواده در آیات و روایات، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران استان اردبیل.
- ۴-سایت باشگاه خبرنگاران جوان، (۱۳۹۲)، گروه فرهنگی هنری، (YGC)
- ۵-آریایی، جعفر، همان
- ۶-روم: ۲۱
- ۷-- بنیادین المللی علوم و حیان اسراء، تفسیر سوره مبارکه روم، جلسه ۷

۸- آریایی، جعفر، همان.

۹- مومنون: ۵

۱۰- بنیادین المللی علوم و حیانی اسراء، تفسیر سوره مبارکه مومنون جلسه ۴

۱۱- آریایی، جعفر، پایداری خانواده بر پایه اندیشه آیت الله جوادی آملی، همان

۱۲- احزاب: ۵۹

۱۳- احزاب: ۳۳

۱۴- محمد: ۲۱

۱۵- احزاب: ۳۲

۱۶- بنیادین المللی علوم و حیانی اسراء، تفسیر سوره مبارکه احزاب جلسه ۱۵

۱۷- نور: ۳۱

۱۸- بنیادین المللی علوم و حیانی اسراء، تفسیر سوره مبارکه احزاب جلسه ۱۴

۱۹- بنیادین المللی علوم و حیانی اسراء، تفسیر سوره مبارکه احزاب جلسه ۲۳

۲۰- آل عمران: ۱۳۴

۲۱- آریایی، جعفر، همان.

۲۲- همان

۲۳- نور: ۳۰

۲۴- بنیادین المللی علوم و حیانی اسراء، تفسیر سوره مبارکه احزاب جلسه ۲۸

۲۵- آریایی، جعفر، همان

۲۶- نور: ۳۳

۲۷- نور: ۳۲

۲۸- همان.

۲۹- بنیادین المللی علوم و حیانی اسراء، تفسیر سوره مبارکه نور جلسه ۱۹

۳۰- بنیادین المللی علوم و حیانی اسراء، تفسیر سوره مبارکه احزاب، جلسه ۱۱

۳۱- بقره: ۲۲۸

۳۲- آریایی، جعفر، همان

۳۳- جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیات، ص. ۲۳۵

۳۴- بنیادین المللی علوم و حیانی اسراء، تفسیر سوره مبارکه نور، جلسه ۳۵

۳۵- بقره: ۲۲۳

۳۶- نور: ۵۸

۳۷- بنیادین المللی علوم و حیانی اسراء، تفسیر سوره مبارکه نور، جلسه ۳۵

۳۸- آریایی، جعفر، همان

۳۹- تحریم: ۶

۴۰- طه: ۱۳۲

۴۱- آریایی، جعفر، همان

۴۲- نساء: ۳۴

۴۳- جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، سازمان تبلیغات اسلامی ایران، مهر ۸۰، چاپ پنجم، ناشر

دارالهدی، ص ۳۷

۴۴- بقره: ۲۳۳

۴۵- آریایی، جعفر، همان

۴۶- نساء: ۳۴

۴۷- جوادی آملی ، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، همان ، ص. ۱۷۹

۴۸- بقره: ۲۳۳

۴۹- جوادی آملی ، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، همان ، ص ۳۹۲

۵۰- بقره: ۲۲۸

۵۱- بقره: ۲۲۳

۵۲- جعفر آریایی ، همان

۵۳- نور: ۲۷

۵۴- بنیادین المللی علوم و حیانی اسراء، تفسیر سوره مبارکه نور جلسه ۳۵

۵۵- جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیاه، ص ۲۳۵